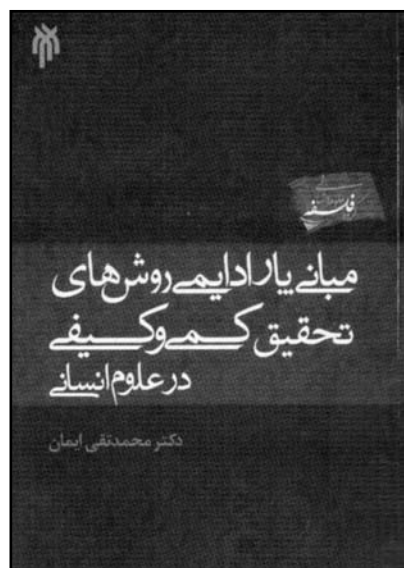


# مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی

■ دکتر یزدان منصوریان<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

آن دارد. در نتیجه، بسیاری از آنان پس از اشاره‌ای مختصر به مبانی و کلیات، بحث خود را با ارائه تعریف‌های کلاسیک نظیر تعریف جامعه پژوهش، نمونه، و متغیرهای مستقل و وابسته شروع کرده و با چگونگی گردآوری و تحلیل داده‌ها ادامه می‌دهند. از طرفی تاکنون تأکید اغلب این آثار بر رویکردهای کمی و پوزیتیویستی بوده است. در نتیجه برآیند این دو نگاه به تدوین کتاب‌های روش پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی امروز بازار کتاب‌های روش تحقیق تقریباً با منابع «روش‌مدار و کمی» اشباع شده است. از همین رو، نیاز به انتشار آثاری که به معرفی «پارادایم‌های تحقیق و رویکرد کیفی» بپردازند، مدت‌هاست که احساس می‌شود. خوشبختانه انتشار کتاب **مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی** گام مثبتی در پاسخ به این نیاز است.



■ ایمان، محمدتقی. مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸. ۴۷۳ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۸۶-۲۷-۸

## مقدمه

آشنایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران با رویکردها و روش‌های نوین پژوهشی، یکی از پیش‌نیازهای اساسی در موفقیت پروژه‌های تحقیقاتی است. این آشنایی معمولاً با گذراندن دروس روش تحقیق و مطالعه کتاب‌های منتشر شده در این زمینه حاصل می‌شود. تاکنون در علوم انسانی و اجتماعی آثار فراوانی با موضوع روش تحقیق و پژوهش به بازار آمده، که اغلب آنها با ساختاری کم و بیش مشابه معمولاً به آموزش گام به گام مراحل تحقیق پرداخته‌اند، که البته در جای خود بسیار سودمند است. اما اساساً تأکید اغلب این آثار بر «روش اجرای تحقیق» است و کمتر به «مبانی و رویکردهای پژوهش» می‌پردازند. شاید نویسندگان این منابع بر این باورند که مخاطبشان بیش از آنکه در جست‌وجوی مبانی نظری و فلسفی تحقیق باشد، نیاز به یادگیری عملی مراحل اجرای

## درباره نویسنده

مؤلف این کتاب آقای دکتر محمدتقی ایمان، دانش‌آموخته دوره دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه «نیو ساوت ولز» استرالیا و دانشیار جامعه‌شناسی در دانشگاه شیراز است. ضمناً براساس آنچه در وبگاه دانشگاه شیراز آمده است، ایشان ریاست پژوهشکده علوم اجتماعی این دانشگاه را نیز برعهده دارند. پژوهشکده‌ای که با هدف ساماندهی مراکز تحقیقاتی در زمینه علوم اجتماعی نظیر مرکز جمعیت‌شناسی، مرکز مطالعات اجتماعی زنان و مرکز منطقه‌ای مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی جوانان فعال شده است. زمینه‌های پژوهشی آقای دکتر محمدتقی ایمان علاوه بر روش پژوهش و ارزیابی روش‌های کمی و کیفی در پژوهش، مباحث مختلف جامعه‌شناسی است. از آن جمله می‌توان به «آگاهی طبقاتی»، «مهاجرت در کشورهای جهان سوم»، «جامعه‌شناسی سیاسی»، قوم‌نگاری، مشارکت عمومی در آموزش و پرورش، توسعه صنعتی و تغییر طبقه اجتماعی، بیگانگی سازمانی و توسعه صنعتی اشاره کرد. ایشان در کارنامه علمی خود انتشار چندین مقاله در مجله‌های مختلف و ارائه آثار متعددی در کنفرانس‌های داخلی و خارجی را به ثبت رسانده‌اند.

## معرفی و توصیف کتاب

کتاب حاضر از ۱۰ فصل تشکیل شده است. فصل اول با عنوان «چیستی تحقیق و معرفت علمی»، به تبیین مؤلفه‌های اصلی در فرآیند تحقیق علمی و مسیر تولید معرفت علمی می‌پردازد. نویسنده با استناد به نیومن (۱۹۹۷)، علم را یک نهاد اجتماعی معرفی می‌کند که نظام تولید معرفت علمی در درون آن شکل می‌گیرد، و این معرفت با اتکا به مبانی فلسفی و پارادایمی در صدد ورود به واقعیت تجربی و شناخت آن است. از طرفی، هر معرفت علمی در چارچوب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود شکل می‌گیرد و محصول روش‌شناسی ویژه‌ای است. این روش‌شناسی مسئولیت روایی و پایایی معرفت به‌دست آمده را برعهده دارد. به سخنی دیگر، روش‌شناسی مدلی است که در آن اصول نظری و چارچوبی یک تحقیق در یک بستر پارادایمی استوار می‌شود. همانطور که در عنوان منعکس شده است، مفهوم «پارادایم»<sup>۲</sup> در این کتاب جایگاهی محوری دارد و لازم است به تعریف آن اشاره شود.

براساس آنچه در کتاب آمده، منظور از پارادایم، مجموعه پیش‌فرض‌های فلسفی در علم است که براساس آنها هویت نظری و عملیاتی علم تعیین می‌شود. پارادایم یک جهت‌گیری و راهبرد پایه و بنیادین به تئوری و تحقیق است. هر پارادایم یک نظام فکری ویژه ایجاد می‌کند که در آن نظام پیش‌فرض‌های اساسی و پرسش‌های بنیادین که باید به آنها پاسخ داده شوند، و همچنین روش‌هایی که برای این منظور باید به کار گرفته شوند، مشخص شده‌اند (نیومن ۱۹۹۷). به سخنی دیگر، پارادایم یک مدل فکری است که به‌عنوان محمل شکل‌گیری و توسعه نظریه‌های علمی نگرش خاصی در اختیار محقق قرار می‌دهد، که این نگرش چگونگی مواجهه وی را با پدیده‌های مورد مطالعه تعیین می‌کند.

سه پارادایم اصلی مطرح‌شده در این کتاب عبارتند از: «پارادایم اثباتی»<sup>۳</sup>، «پارادایم تفسیری»<sup>۴</sup> و «پارادایم انتقادی»<sup>۵</sup>. همانطور که مؤلف اثر در مقدمه اشاره می‌کند، اگر از این منظر به هویت علم و مسیر علم در حوزه علوم انسانی توجه کنیم، خواهیم دید که در این حوزه صرفاً با یک علم مواجه نیستیم، بلکه «علم اثباتی»، «علم تفسیری» و «علم انتقادی» داریم که هر یک در سایه یکی از پارادایم‌ها و از زاویه روش‌شناسی‌های خاص خود به تحلیل و تفسیر دنیای اجتماعی می‌پردازند.

در ادامه این فصل، نویسنده مؤلفه‌های اساسی در سلسله مراتب معرفتی توضیح واقعیت را - نظیر پارادایم، نظریه، مدل، روش‌شناسی و روش - تعریف می‌کند و رابطه میان آنها را مشخص می‌سازد. تبیین این رابطه سلسله‌مراتبی برای رسیدن به درک بهتری از فرآیند تحقیق ضروری است؛ چرا که هر یک از این اجزاء نقش ویژه‌ای در فرآیند تحقیق دارند. مثلاً پارادایم با توجه به جایگاه بنیادی خود مسیر حرکت را نشان می‌دهد، نظریه راهنمای این مسیر است و روش ابزار حرکت در این مسیر به‌شمار می‌آید. از این رو، باید رابطه سلسله‌مراتبی این مؤلفه‌ها برای محقق

روشن باشد. مثلاً نباید روش‌شناسی را با روش‌هایی که صرفاً به تکنیک‌ها و ابزارهای گردآوری داده‌ها مربوطند، مترادف دانست؛ چرا که معادل دانستن این دو به‌منزله تنزل مرتبه روش‌شناسی است و این خود از مشکلات آموزشی برخی از دروس روش تحقیق است.

فصل دوم ادامه منطقی مقدمات مطرح‌شده در فصل نخست است. این فصل با عنوان «پارادایم‌های علم و تحقیقات علمی» از پنج قسمت اصلی تشکیل شده، که عبارتند از: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، روش و جایگاه ارزش در علم. در این فصل نویسنده هر یک از این مقوله‌ها را در سه رویکرد اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی بررسی می‌کند. براساس آنچه در این فصل می‌خوانیم (صص ۵۳ - ۵۱) از منظر هستی‌شناسی، در پارادایم اثباتی دنیای اجتماعی شبیه دنیای طبیعی است و به همان روش می‌تواند مطالعه شود. در این پارادایم در مطالعه رفتار اجتماعی امکان ارائه روابط علت و معلولی به‌صورت روشن وجود دارد و رفتار انسان تحت روابط نهادی در جامعه تعیین می‌شود. در پارادایم دوم که تفسیرگرایی است دنیای اجتماعی با دنیای طبیعی تفاوت دارد و رفتار انسان محصول روشی است که در آن، مردم دنیای اجتماعی را تفسیر می‌کنند. سرانجام در پارادایم انتقادی دنیای اجتماعی و طبیعی متفاوتند ولی این امکان وجود دارد که اصول اساسی در مطالعات آنها مشابه باشند. در این پارادایم رفتار انسان براساس روابط علی قابل توضیح است، ولی این توضیح معمولاً محدود به زمان و مکان خواهد بود. در ادامه این فصل مفصل، نویسنده تأثیر این پارادایم‌ها را بر شکل‌گیری روش‌شناسی‌ها و روش‌های تحقیق نشان می‌دهد. در صفحات ۵۷ و ۵۸ ایشان ویژگی‌های کلیدی اثبات‌گرایی را در ۱۷ گزاره جمع‌بندی نموده‌است. مشابه همین جمع‌بندی در بخش‌های دیگر این فصل برای پارادایم تفسیری و انتقادی دیده می‌شود.

فصل سوم با عنوان «رویکردهای تحقیق» به معرفی و مقایسه دو رویکرد «کمی و کیفی»<sup>۶</sup> اختصاص یافته که این بحث در فصل چهارم با جزئیات بیشتر دنبال می‌شود. این دو فصل نمونه موفقی از مرور نوشتارها در زمینه روش تحقیق است که در آن استنادهای فراوان به آثار موجود، تصویر دقیقی از ویژگی‌های این دو رویکرد در اختیار خواننده قرار می‌دهد. حاصل این مقایسه‌ها در صفحات ۲۱۶ تا ۲۲۵ در قالب چند جدول مفید خلاصه‌سازی شده است. مرور این جدول‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های کمی عمدتاً عینی، همراه با آزمون نظریه و مبتنی بر تحلیل‌های آماری هستند. در مقابل، پژوهش‌های کیفی معمولاً ذهنی، همراه با توسعه نظریه و مبتنی بر گزارش‌های تفسیری هستند. از سویی دیگر، مبانی استدلال در پژوهش‌های کمی منطقی و قیاسی است و با هدف تعمیم یافته‌ها و در راستای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها انجام می‌شوند. در حالی که مبانی استدلال در پژوهش‌های کیفی استقرائی است و یافته‌های آنها معمولاً تعمیم‌پذیر نیست؛ چرا که ماهیت واقعیت در پژوهش‌های کمی عینی، ساده، یگانه،

## گویی در پایان

### خواننده در حالی که

### انبوهی از آموخته‌ها

### از فصول گذشته را

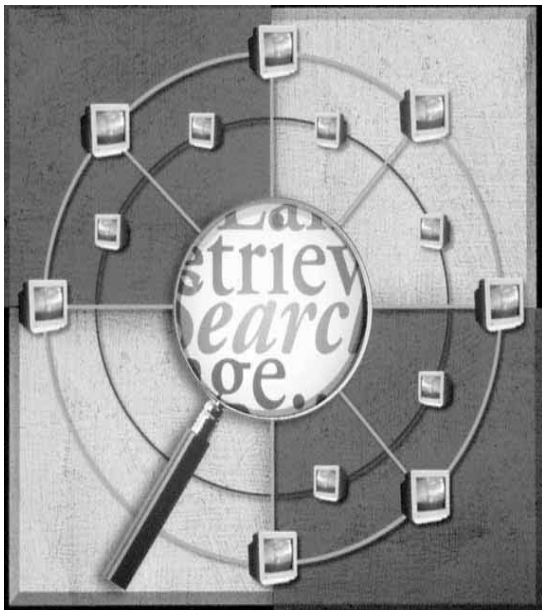
### به ذهن سپرده، در

### جست‌وجوی یک

### سخن پایانی همراه با

### یک تفسیر مختصر و

### نهایی است



به عمل معرفی می‌کند، که نظریه‌های سطح خرد را برای مسائل خاص و در موقعیت‌های ویژه به کار می‌بندد.

فصل نهم با عنوان «روش‌شناسی تاریخی - مقایسه‌ای» توضیح نسبتاً جامعی درباره اهمیت و چگونگی انجام پژوهش‌های تاریخی است. در این روش محقق در بررسی رخدادها گذشته به دنبال دستیابی به موارد مشترک و یافتن قاعده یا مدلی است که بتواند به توضیح آن رخدادها بپردازد. در این فصل مؤلف با استناد به نیومن (۱۹۹۷)، ۱۶ نوع از این مطالعات را معرفی کرده که مستخرج از ماتریسی است که آنها را براساس واحد تحقیق، مقطع زمانی و نوع داده‌ها تقسیم می‌کند. واحد تحقیق در مطالعات تاریخی می‌تواند پژوهش‌های مربوط به یک ملت، چند ملت یا ملت‌های مختلف باشد. از نظر مقطع زمانی نیز می‌تواند مربوط به زمان حال، معاصر یا گذشته باشد. به اعتبار داده‌های مورد استفاده نیز می‌تواند کمی یا کیفی باشد. در نتیجه، مثلاً یک تحقیق تاریخی ممکن است «تک ملتی، گذشته‌نگر و کمی» و تحقیقی دیگر «چند ملتی، زمان معاصر و کیفی» باشد.

سرانجام، فصل دهم با عنوان «روش‌شناسی فمینیستی» کتاب به پایان می‌رسد. این فصل شامل مباحثی از جمله تعریف این روش‌شناسی و سابقه تاریخی آن است. این روش‌شناسی نوعی نقد به پژوهش‌های معمول و مرسوم در علوم اجتماعی است که در آن همه محققان مرد بودند و به علت برخورداری از موقعیت‌های کلیدی به‌نوعی مانع از رشد زنان نظریه‌پرداز شده‌اند. قوم‌نگاری فمینیستی، پیمایش فمینیستی، و تاریخ شفاهی فمینیستی از جمله روش‌های مورد بررسی در این فصل است.

به این ترتیب متن اصلی کتاب به پایان می‌رسد، در حالی که جای یک فصل پایانی برای ارائه جمع‌بندی نهایی از این ۱۰ فصل مفصل خالی است. گویی در پایان خواننده در حالی که انبوهی از آموخته‌ها از فصول گذشته را به ذهن سپرده، در جست‌وجوی

ملموس و قابل جداسازی تلقی می‌شود. در حالی که این ماهیت در پژوهش‌های کیفی ذهنی، پیچیده، کل‌نگر، یک‌سازه اجتماعی و چندگانه است.

فصل‌های پنجم تا دهم هر یک به معرفی و توصیف یکی از روش‌ها در رویکرد کیفی اختصاص یافته است. فصل پنجم با عنوان «پدیدارشناسی»<sup>۸</sup> از چهار بخش تشکیل شده، که عبارتند از: رهیافت‌های پدیدارشناسی، زمینه‌های نظری، تکنیک‌ها و فرآیند تحقیق در پدیدارشناسی. پدیدارشناسی ریشه در دیدگاه فلسفی «ادموند هوسرل»<sup>۹</sup> دارد و درصدد پاسخ به این پرسش است که افراد در تجربه زیسته خود به‌لحاظ ذهنی چگونه پدیده‌ها، کنش‌ها و رخدادها را تفسیر می‌کنند.

فصل ششم درباره روش تحقیق «مردم‌نگاری»<sup>۱۰</sup> است و ویژگی‌ها و مراحل انجام آن را توضیح می‌دهد. مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری به معنای توصیف «مردمان» یا «فرهنگ‌ها» است. تمرکز این روش بر یک گروه فرهنگی و تعامل افراد در این گروه و در یک دوره زمانی است. محقق مردم‌نگار به توصیف و تفسیر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد یک گروه فرهنگی و تعامل آنان با یکدیگر می‌پردازد. مثلاً باورها و رفتارهای معلمان یک مدرسه یا کارگران یک کارخانه در یک دوره زمانی می‌تواند موضوع تحقیق مردم‌نگاری باشد. در صفحات ۳۱۴ تا ۳۰۶، نویسنده ۱۱ ویژگی پژوهش‌های مردم‌نگاری را توضیح داده، که از آن جمله می‌توان به اهمیت مفهوم فرهنگ، دیدگاه کل‌گرایانه، توجه به روابط اجتماعی و زندگی روزمره، و موردی بودن این مطالعات اشاره کرد.

فصل هفتم با عنوان «نظریه بنیادی»<sup>۱۱</sup> درباره «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» یا «گراند تئوری» است. در این فصل ویژگی‌های این روش و فرآیند تحقیق برای ساخت نظریه مطرح می‌شود. گراند تئوری یکی از روش‌های پژوهشی کیفی و با رویکرد اکتشافی است، که طی آن پژوهشگر به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود خود به تدوین نظریه می‌پردازد. نظریه حاصل از این روش از طریق گردآوری و تحلیل سازمان‌یافته داده‌ها در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی تدوین می‌شود. در این فصل نویسنده ابتدا تاریخچه ابداع و تکامل این روش را به اختصار بیان می‌کند و سپس به تشریح مراحل اجرای آن می‌پردازد. در صفحه ۳۵۳ در جدول ۱۷ که از پندیت (۱۹۹۶) اقتباس شده است، فرآیند تدوین نظریه بنیادی در نه گام خلاصه‌سازی شده است، که عبارتند از: مروری بر متون تخصصی، انتخاب موردها، تدوین پروتکل دقیق گردآوری داده‌ها، ورود به میدان تحقیق، تنظیم داده‌ها، تحلیل داده‌ها (کدگذاری باز، محوری و گزینشی)، نمونه‌گیری نظری، پایان فرآیند، و سرانجام مقایسه تئوری در حال ظهور یا شکل‌گیری با متون موجود.

فصل هشتم با عنوان «تحقیق اقدامی»<sup>۱۲</sup> به معرفی روش «اقدام پژوهی» اختصاص دارد. ویژگی‌های این روش چگونگی انجام آن و مزایا و محدودیت‌هایی که به همراه دارد، از جمله مباحث مطرح شده است. در این فصل نویسنده تحقیق اقدامی را وسیله یا مدلی برای اجرای رویکردهای تحقیقات محلی و معطوف

**امتیاز ویژه این کتاب نسبت به سایر کتاب‌های روش تحقیق در علوم انسانی، نگاه نظری و بنیادی نویسنده به فرآیند تحقیق است**

پاسخ به چنین پرسش‌هایی بسیار راهگشا خواهد بود. ضمناً نظر به تجربه طولانی نویسنده محترم این کتاب در انجام پژوهش، ایشان می‌توانست مثال‌های بیشتری از پژوهش‌های واقعی به متن کتاب بیافزاید و مباحث ارائه‌شده را از نگاه نظری مطلق کمی به عرصه کاربردی بیشتر سوق دهد. یک نکته کوچک دیگر نیز تفاوت جزئی عنوان روی جلد و صفحه عنوان است که ممکن است در استنادهای بعدی به این کتاب مشکلاتی ایجاد کند.

#### نتیجه‌گیری

در مجموع، کتاب **مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی** اثری جامع و ارزشمند است. به‌ویژه تأکید آن بر رویکرد کیفی از یک سو و عدم وجود منابع فارسی کافی در این زمینه از سوی دیگر، سودمندی آن را مضاعف خواهد ساخت. دانشجویان و پژوهشگرانی که علاقه‌مند به یادگیری اصول و مبانی رویکرد کیفی هستند می‌توانند از مطالعه این کتاب بسیار بهره‌مند شوند. با توجه به کاربرد این رویکرد در بسیاری از عرصه‌های علمی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های متعددی می‌توانند از این کتاب استفاده کنند. مثلاً جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مدیریت، کتابداری و اطلاع‌رسانی، پرستاری، و گرایش‌های مختلف علوم تربیتی جزئی از فهرست این رشته‌ها هستند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir
2. Paradigm
3. Positivism
4. Interpretive
5. Critical
6. Theory
7. Quantitative and Qualitative Approaches
8. Phenomenology
9. Edmund Husserl (1859-1938)
10. Ethnography
11. Grounded Theory
12. Action Research

#### مآخذ

1. Neuman, W. L. (1997) *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approach*, London: Allyn and Bacon.
2. Pandit, N. (1996), *The creation of theory: a recent application of the Grounded Theory method*, *The Qualitative Report*, Vol. 2 No. 4. [Online] Available: <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR2-4/pandit.html> [Accessed 2 August 2011].

یک سخن پایانی همراه با یک تفسیر مختصر و نهایی است. اما احتمالاً حجم زیاد کتاب مجال نگارش آن را از نویسنده گرفته است. در پاسخ به این نیاز، امید است ویرایش دوم کتاب حاوی فصل یازدهمی با عنوان «جمع‌بندی و سخن پایانی» باشد.

#### امتیازها و کاستی‌ها

امتیاز ویژه این کتاب نسبت به سایر کتاب‌های روش تحقیق در علوم انسانی، نگاه نظری و بنیادی نویسنده به فرآیند تحقیق است. برخلاف بسیاری از منابع موجود، کتاب حاضر خود را به روش‌ها و تکنیک‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها محدود نساخته و با پرداختن به پارادایم‌های پژوهشی افق دید بسیار وسیع‌تری در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

امتیاز دیگر این اثر در انسجام منطقی فصل‌ها و اجزاء آن نهفته است، که این انسجام نشانه‌ای از انعکاس تجربه غنی نویسنده در امور پژوهشی و تدریس در حوزه روش تحقیق است. همانطور که ایشان در پیش‌گفتار اشاره کرده، کتاب حاضر محصول ۱۳ سال تدریس روش‌های تحقیق کمی و کیفی در مقاطع مختلف است. یکی دیگر از ویژگی‌های ارزنده و مثبت این اثر جامعیت تحسین‌برانگیز آن است. در متن کتاب به آثار مرتبط فراوانی در زمینه روش تحقیق استناد شده که نشان از احاطه نویسنده بر این حوزه مطالعاتی دارد. در فهرست منابع و مآخذ آن اطلاعات کتاب‌شناختی ۵۰۸ منبع دیده می‌شود که ۲۶ مورد آن فارسی و بقیه انگلیسی است. البته، مرور این منابع نشان می‌دهد که اغلب آنها در فاصله بین دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ منتشر شده‌اند؛ به‌نحوی که در این فهرست طولانی تعداد آثار منتشرشده پس از سال ۲۰۰۰ به‌مراتب کمتر از آثار قدیمی‌تر است. بر این اساس شاید لازم باشد که در ویرایش دوم علاوه بر استناد به آثار قدیمی، به آثار جدیدتر نیز بهای بیشتری داده شود. به‌ویژه آنکه پژوهش کیفی که محور اصلی بحث این کتاب است، پس از سال ۲۰۰۰ گسترش چشمگیری داشته و از محبوبیت بیشتری برخوردار شده است.

در کنار تمام امتیازهای این کتاب موارد معدودی وجود دارد که توجه به آنها می‌توانست بر سودمندی اثر بیافزاید. از این رو این نکات می‌توانند در ویرایش دوم کتاب مورد توجه قرار گیرند. مثلاً ویرایش فعلی فاقد نمایه است و برای اثری با ۴۷۳ صفحه متن و موضوعی با چنین گستردگی و تنوع، وجود نمایه موضوعی ضروری است. علاوه بر این، با توجه به رویکرد آموزشی کتاب که آن را به‌عنوان یک منبع درسی بسیار پرخواننده خواهد ساخت، اتخاذ تدابیری می‌توانست به تحقق اهداف آموزشی آن کمک کند. به‌عنوان مثال کافی بود در ابتدای هر فصل اهداف یادگیری آن فهرست‌وار بیان شود. در پایان هر فصل نیز با ارائه چند پرسش یا تمرین می‌توان خواننده را به تفکر بیشتر در مورد مباحث مطرح‌شده رهنمون ساخت. همچنین، تدوین یک واژه‌نامه تخصصی در انتهای کتاب می‌تواند به‌نحو چشمگیری در ارتقاء سودمندی آن مؤثر باشد؛ چرا که ممکن است خواننده در خلال مطالعه اثر با مفاهیمی برخورد کند که تعریف عملیاتی یا معادل انگلیسی آن را نداند. وجود یک واژه‌نامه در انتهای کتاب برای

**کتاب حاضر خود را به روش‌ها و تکنیک‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها محدود نساخته و با پرداختن به پارادایم‌های پژوهشی افق دید بسیار وسیع‌تری در اختیار خواننده قرار می‌دهد**